

یاد نامه اولین سالگرد مرجع بصیر و فقیه ولایی

آیت‌الله العظمی حاج شیخ
لطف الله صافی گلپایگانی
فدّسّره



لطف الله صافی
الطفا للصفاء

در هوایت بی قرارم روز و شب

آلبوم تصاویر	چهارده پرده	پیام‌های تسلیت	زندگی‌نامه
۶	۴	۳	۱



بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی قدس سره، فقیه، اسلام شناس و اندیشمند بزرگ معاصر، در شهر گلپایگان، به سال ۱۳۳۷ قمری، قدم به صحنه هستی نهاد.

والدی مجاهد، و دلسوخته اهل بیت

پدر او عالم، مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی، (متولد ۱۲۸۷ ه. ق) بود که علاوه بر تخصص، تحقیق، تألیف و تدریس در گرایش های مختلف علوم اسلامی مانند فقه، اصول، کلام، اخلاق، حدیث و ... در زمینه هنرهای ارزشمندی چون شعر و خوشنویسی نیز سرآمد بود. زهد، تقوا، عشق به ولایت و فضیلت های علمی اخلاقی آن بزرگ مرد، از یک سو و مواضع قدرتمندانه او در سنگر امر به معروف و نهی از منکر و جبهه گیری های صریحش در برابر افکار انحرافی، ظالمان و جابران آن روزگار از سویی دیگر، هر قدر که مردم گلپایگان را شیفته و مطیع محض او می نمود، هیأت حاکمه، خوانین و زورگویان را در برابرش شکننده تر می کرد؛ چنان که آنها همیشه او را سد راه اعمال خلاف شرع و بدعت گذاری های خود دیده و تا زنده بود از غیرت دینی و خشم الهی او می ترسیدند. آفتاب عمر آن عالم جلیل القدر در افاق عصر ۲۵ رجب سال ۱۳۷۸ ه. ق، مصادف با شب شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام غروب کرد، و پس از تشییع جنازه های با شکوه، زعیم عالیقدر حوزه، آیت الله العظمی بروجردی ره بر پیکر ایشان نماز خوانده، و دستور دادند ایشان را در نزدیکترین مکان به ضریح مطهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، دفن کنند.

والدهای فاضله و متعبده

والدهی ایشان، مرحومه فاطمه خانم، دختر مرحوم آیه الله آخوند ملا محمد علی از اعظام علماء و هم دوره و هم حجره مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد حسن معروف به میرزای شیرازی اعلی الله مقامهم و از بزرگان تلامذه مرحوم سید حسن مدرس استاد اکابر و فقهاء عالیقدر بود. از برادرهای والده شان، یکی مرحوم آیه الله شیخ محمد سعید از معارف تلامذه آیات عظام میرزای شیرازی، و میرزای رشتی، و آقا سید محمد اصفهانی، و از مجاهدان و پیشتازان در مخالفت با پیش آمد رژیم پهلوی بود. برادر دیگرشان، مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد باقر بود که در مقامات علمی و عملی، و استعداد و هوش، نابغه و مورد ستایش اعلام بود، و خلاصه، پدر و برادران او از اعظام بودند همان طور که خود ایشان فرموده اند:

پدرم نیز چو اخوان گرام بود مشهور میان اعلام آن مرحومه از بانوان فاضله متعبده متهجده، و مورد احترام، و صاحب کمالات بود، و امتیازات و ویژگی هایی داشت که برای بانوان، الگو و اسوه و معلم بود. از ویژگی های بزرگ معنوی، و اخلاقی، که در وجود آن مرحومه، متبلور بود، می توان به تعبد، اخلاص، تقوا، معرفت به حضرت حق، شجاعت، صراحت لهجه، شوهر داری کم نظیر، اهتمام در تربیت کودکان، و مخصوصاً راز و نیاز خاشعانه، ذکر، دعا و نماز شب اشاره کرد.



مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد جواد، معرفت و عبادت الهی همسر خود را اینگونه توصیف می کند که: رفت از کف آن زن شب زنده دار و آن به ایام خصوصی روزم دار یاد باد آن گریه هایش در سحر و آن تلاوت های قرآن یاد باد

تحصیلات مقدماتی

ایشان، در نوجوانی قدم به وادی علم و معنویت حوزه، نهاد، و میهمان صفای حلقه های صمیمی درس و بحث و محرم شور وصف ناپذیر مناجات نیمه شب پاکباختگان حوزه شد. ابتدا در گلپایگان، کتب پایه ادبیات عرب را نزد عالم جلیل القدر، مرحوم آخوند ملا ابوالقاسم مشهور به «قطب» آغاز کرد و ادامه مباحث ادبیات، کلام، تفسیر،

فقهی، و کلامی، و نیز نگارش کتاب ارزشمندی درباره مهدویت را که «منتخب الأثر» نام گرفت، به ایشان واگذار کردند.

ویژگی های اخلاقی و علمی

زهد، تقوی، اخلاص، قناعت، توکل، سعه صدر، صراحت لهجه و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی های مهم روحی- اخلاقی این فقیه وارسته است. وجودش، دریای بی کرانه عشق به انوار مقدس ائمه

اجازه روایی علامه جلیل القدر مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (قدس سره) به آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مدظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم و به تقی الحمد لله و الصلاه و السلام علی سیدنا و مولانا رسول الله محمد بن عبدالله و علی اوصیائه الاثنی عشر المعصومین، اولیاء الله من الآن الی یوم لقاء الله.

و بعد فین الشیخ العالم الفاضل البارک الكامل الثقة الآواه الشیخ لطف الله بن الشیخ العلامة المولی محمد جواد الصافی گلپایگانی بلغه الله آماله و ضاعف فی العلمیاء و آبناء العلمیاء أماله، لما أراد التأمین بسیرة السلف الصالح رضوان الله علیهم، استنجان منی کتابه حسن ظنه، و لما کان اهل ذلك بشهادة تصانیفه منتخب الأثر و غیره، فاستخرت الله جل جلاله، و أسرعت الی إجابته، و أجزته أن یروی عنی جمیع ما صحت فی روایته عن كافة مشایخی الأعلام القاطنین فی العراق أو القاهرة أو الطیبة أو البلاد الحرام بجمیع طرقهم و أسانیدهم و أحض منهم بالذکر أول مشایخی و أولفهم و أقتنهم، و هو شیخنا العلامة خاتمة المجتهدین و المحققین مولانا المیرزا من کل شیء، و الطائف للحرمین الشریفین الحاج المرزا حسین النوری الطبرسی التحفی خاتمه التوفیق و المدفون بها فی سنة ۱۳۲۰ ه. و کنت یومئذ داخل فی سنه ثمان و عشرين من العمر بالذکر اول درجات الإجتهد، فأجرتنی أن یروی عنی جمیع طرقه الفسمة المسطورة و المفضلة فی خاتمة کتبه مستدرک الوسائل المطبوع یوم ذاک، و المشجرة فی مواقع النجوم المطبوع قریباً فلیروا دامت برکاته عنی و عنه و عن غیره من مشایخی بطرقهم لمن شاء، و أحب مراعیاً الاحتیاط کما أوصیت بذلك، مرافقاً لله تعالی فی سائر الحالات، کما وصی به السید علی بن طاوس رض ولده فی کشف المحجقة، و قال: إن أصل ما أنت علیه ان تكون مرافقاً لله جل جلاله، و أرجو من مکارمه أن لا ینسی من الذمات الخلووات حیاً و میتاً، حرره بیدي المرعشة فی مکتبتي فی النصف الاشراف فی عشية الخميس، الثامن من شهر شوال المکرم سنة ۱۳۷۸ الموافق لیوم هدمت بقاع قبور المئتمن الاربعه سلام الله علیهم فی بقع الفرقه، و أنا القانی آقا بزرگ الطهرانی

حدیث، فقه و اصول را تا پایان سطح در همان جا پی گرفت، و در این مدت، حجم وسیع کتب مهم رشته های مذکور را نزد پدر بزرگوارش، حضرت آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی آموخت.

عزم هجرت به قم

در سال ۱۳۶۰ ه. ق، گلپایگان و لذت حضور در کنار پدر و مادری مهربان و دلسوز، را ترک کرد، و رنج مشکلات هجرت را پذیرا شد، تا با حضور در مجلس درس و بحث اساتید بزرگ حوزه علمیه قم، به تکمیل تحصیلات و تحقیقات خود بپردازد. معظم له در حوزه مبارکه قم، در درس خارج اصول مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد تقی خوانساری، و درس خارج فقه مرحوم آیه الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت، و نیز مقداری هم در بحث مرحوم آیه الله العظمی آقا سیدصدر الدین صدر حضور یافته و از محضر اعظام حوزه قم خوشه چینی ها کرده، و بخش هایی از مباحث ایشان را تقدیر نمود.

کسب فیض از اساتید حوزه نجف اشرف

حدود چهار سال بعد، به عزم زیارت و تقبیل اعتبار مقدسه و کسب فیض از روضه مطهره علویه علی من ثاوی فیها آلاف التحیه و الثناء به نجف اشرف مشرف شده، و در آنجا از محاضر و مباحث فقیه بزرگ مرحوم آیه الله العظمی آقای آقا شیخ محمد کاظم شیرازی، و اسوه تقوی مرحوم آیه الله العظمی آقای آقا سید جمال گلپایگانی، و مقرر بزرگ آیه الله العظمی نائینی، مرحوم آیه الله العظمی آقای آقا شیخ محمد علی کاظمی استفاده ها نمودند. هوش و استعداد فوق العاده و تلاش و جدیت در امر تحصیل، او را مورد علاقه خاص اساتید بزرگ قم و نجف قرار داد.

شاگرد میرز و مشاور ویژه

حضرت آیت الله العظمی صافی پس از آن، مجدداً به قم بازگشتند، و بیش از پانزده سال، حلقه نشین مجلس درس مرجع و زعیم پرافتخار شیعه، حضرت آیت الله العظمی بروجردی، و نیز یکی از مشاوران ویژه و برجسته و از اصحاب خاص استفتاء آن بزرگوار گشت، به طوری که آن فخر دوران و زعیم یگانه حوزه، نظر به توانایی والای علمی آیت الله العظمی صافی، پاسخگویی به سؤالات مهم و حساس



این فقیه گرانقدر، علاوه بر موارد مذکور، مطالعات گسترده‌ای در زمینه ادبیات و تاریخ اسلام و ایران داشته، و ضمن آشنایی با قالب های گوناگون شعری، در سرودن شعر نیز مهارت کامل دارند.



این مرجع فرزانه، حتی اکنون نیز با تمامی مشغله های موجود، اخبار و مسائل دنیا و بالخصوص جهان اسلام را هر روز با دقت تمام از طریق رسانه های گروهی دنبال کرده و بنا به اطلاعات وسیع تاریخی-سیاسی، از قدرت تحلیل بالایی در زمینه رویدادهای منطقه ای، جهانی و دنیای اسلام برخوردار است و مصداق واقعی «عالم به زمان» می باشد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور در صحنه های مختلف مبارزه با رژیم ستم شاهی باعث حساسیت ساواک، نسبت به این فقیه آگاه گشت، و بالأخره به توقیف یکی از کتب ایشان که حاوی مطالبی در نقد فساد رژیم شاه بود، منجر شد. در همین حال نشر بعضی کتب مهم حضرت آیت الله العظمی صافی که در دفاع از تشیع نگاشته بود نیز، در بعضی از کشورهای عربی ممنوع شد و بدین صورت دولتمردان این کشورها همسو با برخی مزدوران قلم بدست استعمار، نتوانستند خشم خود را از نوشته های آگاهی بخش و بیدار کننده اش، پنهان نمایند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایشان در سال ۱۳۵۸ ه. ش، به عنوان عضو مجلس خبرگان اول، انتخاب و در سال ۱۳۵۹ ه. ش، از سوی حضرت امام خمینی رضی الله عنه به عضویت شورای نگهبان منصوب شد، و حدود هشت سال به عنوان دبیر شورای نگهبان، منشأ خدمات ارزنده ای به نظام مقدس و مردم عزیز گشت، و در پاسداری از حریم اسلام و قرآن، لحظه ای تردید به خود راه نداد.

حضرت آیت الله العظمی صافی، با ارتحال حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی رضی الله عنه در آذر ماه ۱۳۷۲ ه. ش، بنا به تقاضاهای مکرر و اصرار پی در پی علما و مردم، بالأخره تصدی مرجعیت را پذیرفت، و اکنون یکی از مراجع عمده، و ارکان اصلی حوزه علمیه قم و جهان تشیع، به شمار می رود.

در کلام بزرگان

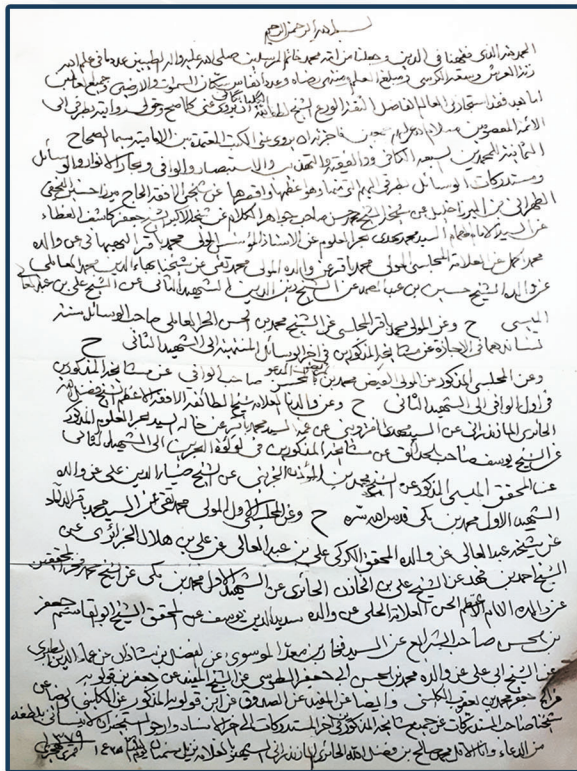
حضرت آیت الله العظمی سید جمال الدین هاشمی گلپایگانی:
حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید جمال الدین هاشمی گلپایگانی که از مراجع بزرگ عصر خود در نجف اشرف بودند، در تاریخ سوم جمادی الأولى ۱۳۷۵ قمری یعنی ۶۳ سال قبل برای معظم له اجازه اجتهاد صادر نموده، و مرقوم نموده اند که ایشان به بالاترین درجه اجتهاد و استنباط در احکام شرعیه نایل گردیده اند، و در آن اجازه، ایشان را با القاب «العالم، العلم، العیلم، العلام، الفاضل، الكامل، الهمام، علم الاعلام، حجة الاسلام» یاد فرموده و ستوده اند.

حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد علی کاظمی خراسانی:
حضرت آیه الله العظمی آقای شیخ محمد علی کاظمی خراسانی (رضوان الله علیه) مقرر مرحوم محقق نائینی رضی الله عنه استاد آیه الله العظمی صافی در نجف، در نامه خود که در تاریخ یازدهم شوال فرستاده اند، وی را با عنوان والای «علم العلم و مناره» یاد کرده، و ایشان را که نجف را ترک کرده بودند به نجف فرا خوانده و مرقوم فرموده اند:

«مفارقت امثال سرکار از نجف اشرف و خلو جامعه علمیه از آن، موجب تأثر است»، چون امروز جامعه علمیه، حاجت به امثال سرکار دارد که استعداد ذاتی را با حفظ ظاهر و التزام به نوامیس شرع مطهر دارا و واجد هستید، علی هذا حتی المقدور اسباب حرکت را فراهم فرمائید. امید است بر عزم مراجعت باقی باشید، و جدآ سرکار را از حضرت حجة الاسلام آقای والد (دامت برکاته) تقاضا می کنم.»

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ره:

امام خمینی در موارد مختلف، اندیشه فقهاتی و حضور مدبرانه و آگاهانه آیت الله العظمی صافی را در بطن مسائل مهم جاری، ارج نهادند، و از همین روی، ایشان را به ایفای نقش در شورای نگهبان که در آن زمان مهم ترین و آخرین مرکز تصمیم گیری درباره تأیید قوانین کشور و مطابقت آن با شرع و قانون، محسوب می گشت برگزیدند. امام خمینی در نامه مورخ ۶۵/۳/۲۲ خود به شورای نگهبان، آیت الله العظمی صافی را از «فقهائ» بی دانسته اند که «لیاقت و تعهدشان محرزست»، و «در مدت



در جایی دیگر، درباره ایشان فرموده اند: «معظم له مورد علاقه اینجانب هستند.»

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی:

برای تحلیلگران امور تاریخی، نقش کلیدی آیت الله العظمی صافی در مقام فقهی دقیق و خوش فکر و مشاوره امین و آگاه برای آیت الله العظمی گلپایگانی در طول ۳۲ سال مرجعیت پر افتخار آن مرحوم، نقشی ویژه و کاملاً برجسته است.

آن مرجع عظیم الشأن در امور مهم سیاسی و اجتماعی با آیت الله العظمی صافی مشورت نموده، و مسائل مهم فقهی را با معظم له در میان می گذاشتند؛ برای نظرات ایشان اهمیت قائل بودند، آراءشان را محترم شمرده و به آن توجه مخصوص می فرمودند.

آیت الله العظمی گلپایگانی در نامه ای خطاب به دست اندر کاران اولین مرکز کامپیوتری تحقیقات و دایرة المعارف فقه اسلامی موسوم به «معجم فقهی»، آیت الله العظمی صافی را «نمونه ای از اکابر فقهای معاصرین» و «صاحبان مقام علمی شامخ» دانسته، و به استفاده از وجود مغتنم و سرمایه ارزشمند علمی ایشان، تأکید می ورزند.

آن مرحوم در وصیت نامه خویش، از آیت الله العظمی صافی با عنوان «مجتهدی مسلم و عادل» یاد نموده اند.

عالم بزرگ عرب حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی:
عالم بزرگ عرب، حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی در جریان آشنایی خود با مرجع عالیقدر می نویسد: «شرایط جالبی پیش آمد که پیر بزرگواری را دیدم که سنین عمر او از هفتاد سال می گذشت، و درس و بحث و صید حقایق و تعمق در تاریخ اسلام و علوم اسلامی، او را فرسوده و لاغر ساخته بوده؛ چه آن که او از امت اسلامی است که پیروی کردن کورکورانه و بدون تحقیق را، در اصول و فروع حرام می دانند، و تلاش و کوشش

در تحقیق مطالب را تا مرز توان، لازم می شمردند. آری! او را در لباس رجال دین در عراق و ایران دیدم. پرسیدم اسم شما چیست؟ پاسخ داد: لطف الله صافی. گفتم: به از این حسن تصادف که من شما را یافتم...»

ارتحال

این فقیه عالیقدر و عظیم النظر، سرانجام با نفسی مطمئن و آرام، در آخر جمادی الثانیة ۱۴۴۳ قمری، پس از حدود ۱۰۶ سال زندگی پر خیر و برکت، به سوی لقاء الهی شتافت و با کوله باری لبریز از ایمان به خداوند و محبت پیامبر و اهل بیت طاهرین آن حضرت علیه السلام، در جوار حضرت سید الشهداء علیه السلام آرام گرفت.

مردم متدین و قدردان ایران اسلامی و عراق، با تشییعی با شکوه و کم نظیر، پیکر مطهر آن فقیه عالیقدر را تا بهشت زمین یعنی حرم ملکوتی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بدرقه کردند و در حجره ورودی باب الرجاء، در میان تربت پاک حضرت امام حسین علیه السلام، به خاک سپردند و هم اکنون، هر روز و شب، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام پس از زیارت حضرت سید الشهداء و اصحاب آن حضرت علیه السلام، به زیارت مقبره این فقیه و خادم اهل بیت علیه السلام می آیند و از ایشان می خواهند تا در محضر آقا و مولایشان ابی عبدالله الحسین علیه السلام، دعاگویشان باشد.

عالم بزرگ عرب حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی:
عالم بزرگ عرب، حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی در جریان آشنایی خود با مرجع عالیقدر می نویسد: «شرایط جالبی پیش آمد که پیر بزرگواری را دیدم که سنین عمر او از هفتاد سال می گذشت، و درس و بحث و صید حقایق و تعمق در تاریخ اسلام و علوم اسلامی، او را فرسوده و لاغر ساخته بوده؛ چه آن که او از امت اسلامی است که پیروی کردن کورکورانه و بدون تحقیق را، در اصول و فروع حرام می دانند، و تلاش و کوشش در تحقیق مطالب را تا مرز توان، لازم می شمردند. آری! او را در لباس رجال دین در عراق و ایران دیدم.

پرسیدم اسم شما چیست؟ پاسخ داد: لطف الله صافی. گفتم: به از این حسن تصادف که من شما را یافتم...»

ارتحال جانشوز

این فقیه عالیقدر و عظیم النظر، سرانجام با نفسی مطمئن و آرام، در آخر جمادی الثانیة ۱۴۴۳ قمری، پس از حدود ۱۰۶ سال زندگی پر خیر و برکت، به سوی لقاء الهی شتافت و با کوله باری لبریز از ایمان به خداوند و محبت پیامبر و اهل بیت طاهرین آن حضرت علیه السلام، در جوار حضرت سید الشهداء علیه السلام آرام گرفت.

مردم متدین و قدردان ایران اسلامی در شهر مقدس قم با تشییعی مثال زدنی پیکر آن فقیه ولایی را بدرقه کردند و نماز ایشان توسط مرجع عالیقدر آیت الله العظمی کریمی جهرمی داماد مکرّمشان اقامه شد.

سپس در نجف و کربلای معلی، با تشییعی با شکوه و کم نظیر، پیکر مطهر آن فقیه عالیقدر تا بهشت زمین یعنی حرم ملکوتی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بدرقه شد و در حجره ورودی باب الرجاء، در میان تربت پاک حضرت امام حسین علیه السلام، به خاک سپردند و هم اکنون، هر روز و شب، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام پس از زیارت حضرت سید الشهداء و اصحاب آن حضرت علیه السلام، به زیارت مقبره این فقیه و خادم اهل بیت علیه السلام می آیند و از ایشان می خواهند تا در محضر آقا و مولایشان ابی عبدالله الحسین علیه السلام، دعاگویشان باشد.

عالم بزرگ عرب حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی:
عالم بزرگ عرب، حضرت آیه الله شیخ سلمان خاقانی در جریان آشنایی خود با مرجع عالیقدر می نویسد: «شرایط جالبی پیش آمد که پیر بزرگواری را دیدم که سنین عمر او از هفتاد سال می گذشت، و درس و بحث و صید حقایق و تعمق در تاریخ اسلام و علوم اسلامی، او را فرسوده و لاغر ساخته بوده؛ چه آن که او از امت اسلامی است که پیروی کردن کورکورانه و بدون تحقیق را، در اصول و فروع حرام می دانند، و تلاش و کوشش





بخش‌هایی از پیام‌های تسلیت مراجع و علما

مقام معظم رهبری:

ایشان از استوانه‌های حوزه علمیه قم و از برجستگان علمی و عملی و پر سابقه‌ترین عالم دینی در آن حوزه مبارک بودند. در دوران انقلاب، امین و مورد اعتماد حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه به شمار می‌رفتند. سال‌ها در شورای نگهبان رکن اصلی آن شورا محسوب می‌شدند و پس از آن هم همواره درباره مسائل انقلاب و کشور، دلسوزانه و مسئولانه ورود می‌کردند و بارها اینجانب را از نظرات و مشورت‌های خود مطلع و بهره‌مند می‌ساختند.

آیت الله العظمی سیستانی:

خبر ارتحال عالم ربانی مرجع عالیقدر جناب آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (رضوان الله علیه) موجب تألم و تأسف فراوان گردید. فقدان آن بزرگوار که از اساطین حوزه علمیه مقدسه قم و حسنات این دوران و خدمتگزاران نمونه دین و مذهب بودند خسارتی عظیم است.

آیت الله العظمی سبحانی:

درگذشت عالم ربانی، محقق عالیقدر، فقیه نامدار، مدافع حریم اسلام و اهل‌البیت علیهم‌السلام مرحوم آیت الله العظمی صافی را با کمال تأسف و تأثر و قلب حزین دریافت نمودم. درگذشت عالمی که متجاوز از ۷۰ سال با بیان و قلم مشغول تدریس و تألیف بود و آثار ماندگار و ارزشمند به یادگار گذاشته، مصداق روشن «ثلمة فی الاسلام» است. او در عین اشتغال به فقهت و استنباط احکام، پیوسته مراقب اعتراض دشمنان بود و با قلم روان به روشنگری می‌پرداخت.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

آن مرد بزرگ که از برجسته‌ترین شاگردان آیت الله العظمی بروجردی قدس سره و یکی از برترین فقهای عصر ما بود آثار فراوانی در عرصه‌های مختلف از جمله کتب فقهی و کلامی و مبارزه با فرقه‌های منحرف و احداث و تجدید بناهای مذهبی همچون مسجد عظیم امام حسن عسکری علیه‌السلام را از خود به یادگار گذاشت.

آیت الله العظمی نوری همدانی:

آن فقیه بزرگوار یکی از ارکان اسلام و حوزه‌های علمیه و از برجستگان شاگردان آیت الله العظمی بروجردی و مورد عنایت و اعتماد خاص امام «رحمة الله علیهما» بودند و ارادت خاص ایشان به حضرات معصومین «علیهم‌السلام» و مبارزه با فرقه‌های منحرف و تألیف کتب فقهی و کلامی و حضور مؤثر اجتماعی و سیاسی از ویژگی‌های آن مرحوم بود.

آیت الله العظمی علوی گرگانی:

ارتحال عالم پارسا، شیخ الفقهاء و المجتهدین، مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی که عمر شریف خود را در راه ترویج معارف دینی و حمایت از مبانی دین مبین اسلام و تبیین احکام شرعی و نصیحت و دلسوزی نسبت به مسئولین نظام سپری نمودند موجب تأثر گردید.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

ارتحال جانشین فقیه عالیقدر و شیخ المراجع حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی قدس الله نفسه الزکیه مصیبت جانکاهی است و غم بزرگی بر جان حوزه‌های علمیه و ملت ایران و مسلمانان نشاند. آن فقیه عالیقدر از طهارت نفس و صفای باطن ویژه‌ای برخوردار بود و در علوم حوزوی و فقه اهل بیت علیهم‌السلام در قله‌های بلند قرار داشت و عمر شریف خود را در اعتلای اسلام و ترویج معارف الهی و اهل بیت علیهم‌السلام سپری کرد و همواره در خدمت به مردم شریف و نصیح و خیرخواهی پیشگام و در مسیر نهضت و انقلاب اسلامی و همراهی امام را حل قدس سره و رهبری معظم مدظله نورافشانی می‌کرد.

آیت الله فاضل لنکرانی:

این شخصیت بزرگ مجموعه‌ای از خرد و عقلانیت، متانت و تواضع، علم و تقوا، تدبیر و آینده‌نگری، دلسوزی و رأفت بود. در محضر او آنچه که بیش از همه و قبل از هر چیز بروز داشت، اخلاص و سرسپردگی به ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام خصوصاً امام زمان حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداه بود.

آیت الله محسن فقیهی:

آن مرحوم، فقیهی محقق و مدقق، مرجعی راستین، عالمی مردم‌دار و مدافع ثابت‌قدم حریم ولایت و حوزه‌های علمیه بود که سراسر عمر بابرکت خود را صرف ترویج مذهب و تربیت شاگردان فراوان کرد.

آیت الله مقتدایی:

ساعاتی قبل مطلع گشتیم روح بلند و بی‌قرار مرجعی بیدار و مدافع غیور حریم اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم‌السلام، و زبان گویای دفاع از حق و احکام الهی و خادم دل‌باخته آستان ملائک و پاسبان حضرت ولی الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء، زعیم حوزه‌های علمیه، حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی علیه‌السلام، که مشتاق لقای پروردگار بود، کالبد تن را شکست و به ملکوت اعلی پیوست. کارنامه پرافتخار این مرجع عالیقدر، مشحون از نصیح و خیرخواهی برای کیان اسلام و تشیع و دلسوزی برای همه بندگان خدا بود.



در آستانه اولین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی مطالبی پیرامون این مرجع فقید در قالب های مختلف منتشر می کند مطلب زیر چهارده پرده از احوالات این مرجع فقید نوشته حجت الاسلام و المسلمین محسن اکبری شاهرودی است که به مناسبت چهلم ایشان منتشر شده که بازنشر می گردد:

پرده اول:

روح ولایت و دفاع از مکتب از همان طفولیت در آن مرجع عظیم دمیده شده بود؛ آن هم از انفاس معنوی پدری فقیه و مجاهد و مادری فانی در ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام. خاطراتی که ایشان از پنج سالگی در حافظه عجیبشان داشتند همه گویای این مطلب بود. همین طور که این شجره طیبه رشد می کرد این روح ولایتمداری، قوی تر می شد و نمایان تر. از بین آن همه خاطره و نوشته آن مرزبان حقیقت، نقل دل نوشته هفده سالگی ایشان در ابتدای یکی از نسخه های خطی پدر عزیزشان، این اصالت و هویت ولایی را آشکارتر می سازد که چگونه در آن سن و سال، غصه اوضاع خلاف شرع را دارد: «الیوم که یوم ۵ ذی حجه سنه ۱۳۵۵ قمری هجری است و مطابق با ۲۸ بهمن ماه سنه ۱۳۱۵ هجری شمسی است، چون قلبم از پاره ای اوضاع بر خلاف شرع مقدس گرفته بود، تحریر شد تا خوانندگان معظم از دعا فراموشم نفرمایند. بدیهی است که هر کسی باید از این دار فانی بیرون رود که اینک میّت و آنهم میّتون. پس خوشا به حال مردمانی که با توشه درخور رفتند و عمل صالح کردند و نام نیک خود را در صفحه روزگار باقی گذاشتند. حرره أحقر العباد لطف الله صافی گلپایگانی. ۲۸/۱۱/۱۵»



تمثال مبارک آیت الله العظمی محمد باقر گلپایگانی

پرده دوم:

قلم روان و بیان شیوا، عطیه الهی بود که از همان ابتدای نوجوانی، نصیبشان شده بود. اولین نوشته های علمی و مطبوع ایشان، حاشیه بر کتاب «اشعار شیوا در رد باب و بهاء» مرحوم والدشان بود. ایشان تا اواخر حیات با برکتشان هم می نوشتند و در دفاع از دین و مذهب، خستگی را، خسته نشاط و تلاش خود کرده بودند. هر کسی آن حاشیه ها را بخواند خواهد فهمید که وسعت اطلاعات یک نوجوان آماده ورود به سن جوانی، چه میزان است. خدای رحمت کند مرحوم حاج آقا فخر را که از علما و مردان بزرگ آن روزگار بود. وقتی حاشیه های مرحوم آقا بر کتاب پدر مکرمشان را دیده بود قصیده ای در مدح آن سروه بود که چند بیتی از آن تقدیم می شود: «هدیه ات هدیه گرمی بود * مایه عیش و شادکامی بود * ورقی از کتاب مسطور است * رق منشور و آیه نور است * جمله اشعار آیت الهی * هست نغز و لطیف و شیوایی * چقدر خوب کرده ای تفسیر * شعر شیوای نغز شیخ کبیر * یادگار خوشی در ایام است * می توان گفت وحی و الهام است ...»

پرده سوم:

پس از آن که در قم شاگردی اعظم آن عصر را کرد، راهی نجف اشرف شد. در نجف هم، مدت اندکی که مشغول بود، دل و جان اساتید آن روز مثل مرحوم آیت الله حاج آقا جمال گلپایگانی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و حاج شیخ محمد علی کاظمی خراسانی را شیفته و عاشق خود کرده بود به حدی که مرحوم کاظمی در بدرقه ایشان تقاضا می کند حتماً زود برگرد که نجف به تو احتیاج دارد و در نامه ای که بعدها می نویسد با این عبارت، قدر و منزلت ایشان در نجف آن روز را به همه نشان می دهد: «مفارقت امثال سر کار از نجف اشرف و خلو جامعه علمیه از آن موجب تأثر است، چون امروز جامعه علمیه حاجت به امثال سر کار دارد ...» البته فراموشمان نشود که علت اصلی این مراجعت به قم، نامه ای بود از طرف والد معظمشان که پیغام داده بودند مادر در فراق تو، بار سنگینی را تحمل می کند و غم و غصه، امانش را بریده است. او هم که خود را مدیون الطاف و زحمات پدر و مادر بزرگوار خود می دید، آن مرتبه علمی نزد اساتید را رها کرد تا والده اش را از خود راضی و خشنود نماید و دست تقدیر الهی بود که عزم مراجعت به نجف فسخ شد و حکم خداوند به بقای ایشان در قم تعلق گرفت.

پرده چهارم:

در قم دوم ایشان، آن گاه که خبر برقراری درس آیت الله العظمی آقای بروجردی را شنید، عزم رحیلش به بقا تبدیل شد و عمری قریب به پانزده سال را در خدمت آن مرد الهی بود. عجیب بود جوانی در ابتدای دهه سی عمر خود، می شود از اعضای اصلی شورای استفتاء یگانه مرجع شیعه و از نویسندگان بیانیه های سیاسی آن بزرگ عالم سیاستمدار شیعه. روزی هم آیت الله بروجردی چندین استفتاء را به ایشان می دهند که شخصاً جواب دهند. وقتی پاسخ ها را برایشان می آورند، آیت الله بروجردی با آن لهجه شیرین لری به آقا می فرمایند: این طور می نماید که بهتر از شورایی بودن پیش می رود. بسیاری از مجلات و مطالبی که برای مرحوم آقای بروجردی می آمد، برای مطالعه و پاسخ و اظهار نظر به ایشان تحویل می دادند و مرحوم آقا هم به بهترین وجه از عهده این کار بر می آمد از جمله کتاب جرج جرداق مسیحی و مقاله بوداسف و بلوهر و مقالاتی از شیخ الازهر و ...

پرده پنجم:

آن چیزی که مرحوم آقا را در بین مردم و حوزه ها و علما، مشار بالبنان کرده بود، احترام ویژه ایشان از امام زمان ارواحنا فداء بود. خودشان بارها نقل می فرمودند در آن مجلس رسمی که برخی برای مطلبی قیام کردند ایشان چون حجت شرعی نداشت بلند نشدند ولی در همان جلسه چند باری که نام مبارک حضرت به هر عنوانی برده می شد، او به تنهایی قیام می کرد تا به همه بفهماند که همه ما ریزه خور خون آن حضرت هستیم و باید مبلغ او باشیم. همین عشق و علاقه باعث شد تا انتخاب شود برای اثری ماندگار درباره حضرت به نام «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام» آن هم به توصیه استاد بزرگوارش آیت الله بروجردی. دوسال و اندی زحمات طاقت فرسای شبانه روزی به تنهایی و با عدم امکانات. خود آقا نقل می کردند که برای پیدا کردن یک حدیث، وقتی در قم آن کتاب مخصوص را نیافته بودند به تهران سفر کردند و پس از جست و جوی چند ساعته در کتاب فروشی ها، آن را در دکان پیرمردی کتاب فروش یافتند و چون هزینه خرید کتاب را نداشتند با اجازه او، آن حدیث و آدرس را یادداشت و به قم برگشتند. عنایات غیبی در تألیف و بازبینی منتخب الأثر به قدری زیاد است که نوشتن درباره آن در این مقال کوتاه نمی گنجد.

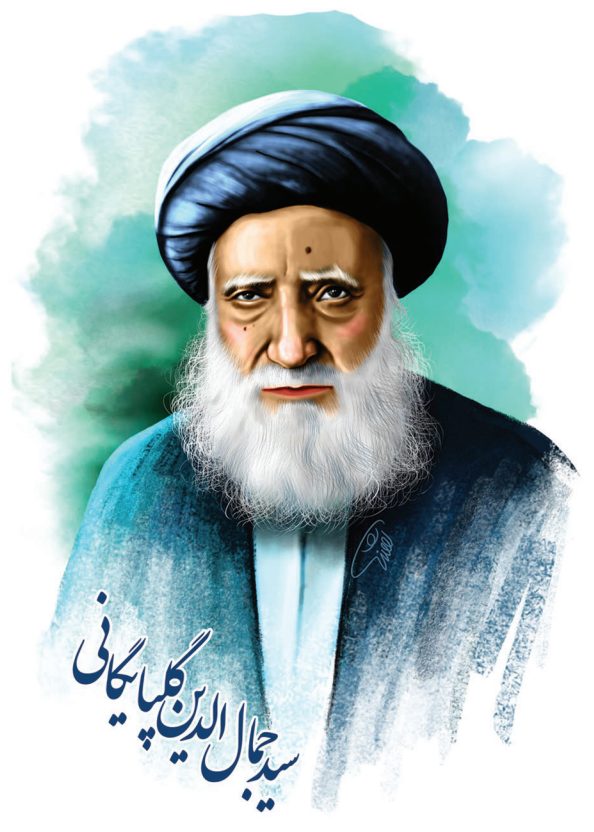
پرده ششم:

انقلاب اسلامی که پیروز شد، امام امت نیازمند یار و یاورانی بود تا بتواند در مهمترین ارکان نظام آنها را منصوب کند و اداره امور را بر پایه مبانی اسلام و عدالت بر عهده بگیرد. یکی از مهمترین ارکان نظام در ابتدا، خبرگان قانون اساسی بود. باید افرادی متعهد و متدین و با کیاست در آنجا حضور پیدا می کردند؛ لذا علیرغم خواست تندرورها - که شرحش مفصل است - با تایید امام و رای مردم، مرحوم آقا وارد خبرگان قانون اساسی شدند و الحق بسیار خوش درخشیدند و منشا خدمات مهمی شدند که بیان آنها نیاز به روزها و ساعات بسیار دارد که گوشه ای از آن را در کتاب (جامع دیانت و سیاست) آورده ام.

پس از آن هم، در مهمترین نقطه وضع قوانین کشور یعنی شورای نگهبان، صالح ترین اشخاص یعنی مرحوم آقا از طرف امام منصوب شدند و واقعاً آن دوران سخت و دشوار و نقطه عطف، شاهد درخشش بی نظیر ایشان بود که اگر تمام مشروح مذاکرات آن دوره ها منتشر شود همه نخبگان و فرهیختگان، گفته این ناچیز را تصدیق خواهند کرد. خدای رحمت کند آیت الله مومن را که می فرمود: آیت الله صافی اسلام مجسم است. تا موقعی که ایشان در شورای نگهبان بودند، مراجع و علما و متدینین مطمئن بودند که هیچ قانونی خلاف شرع تصویب نخواهد شد.

پرده هفتم:

آقا بارها نقل می کردند که استاد عزیزشان آیت الله العظمی بروجردی، می فرمودند: من برای این مقام (مرجعیت) یک قدم هم بر نداشتم. و خود مرحوم آقا هم به معنای واقعی کلمه همین طور بودند. تا آخر حیات مبارکشان از قبول این مسئولیت سنگین و خطیر ابراز ناراحتی می کردند. در همان ابتدا هم پس از فوت مرجع عالیقدر آیت الله العظمی گلپایگانی، از تصدی این مقام سر باز می زدند تا آن که اراده خداوند بر این تعلق گرفت و با اینکه برخی ایشان را جزو مراجع معرفی نکردند، ایشان از مراجع طراز اول شیعه و محبوبترین علما در بین امت شدند. ایشان بحمدالله در تمامی شئون مرجعیت از فقاقت و تقوا و زهد و عدالت ورزی و تواضع و آگاهی از زمان، نمونه بودند.



پرده هشتم:

مرحوم آقا در دفاع از دین و مبارزه با بدعت‌ها بی نظیر بودند. هزار و دویست صفحه در رد و بررسی آراء شریعتی، کتاب شهید آگاه در رد کتاب صالحی نجف آبادی، کتاب ایران تسمع و تجیب در پاسخ به کتاب اسمعی یا ایران، کتاب مع الخطیب در رد کتاب محب الدین خطیب، و ده ها کتاب و رساله دیگر در پاسخ به شبهات، تنها نمونه ای از دفاع ایشان از مکتب بود.

در مقابله با بایی‌گری و بهایی‌گری از حاشیه بر اشعار شیوای پدر بزرگوارشان تا سخنرانی‌ها و پیام‌ها بسیار اهتمام داشتند. در همین اواخر هم در احیای قبر میرزا عبدالحسین آیتی صاحب کتاب ارزشمند کشف الحیل، این اقل الطلاب را مامور به پیدا کردن قبر که ایشان ده ها سال پیش در قبرستان نو قم دیده بودند و مصرعی از نوشته قبر در خاطرشان بود کردند: رخت بر بست از جهان عبدالحسین آیتی.

با چند روز فحص و با کمک برخی دوستان، قبر را پیدا کرده و با سنگ و تابلویی که ایشان فرمودند، آن را مشخص و احیا کردیم که اکنون مورد استقبال مردم و متدینین است.

پرده نهم:

یکی از امتیازات ایشان، تشویق اشخاصی بود که به دین و مذهب خدمت می‌کردند. اگر قصد شمارش و احصای آن را داشته باشم بیش از صدها مورد خواهد شد. از جمله در جلسه ای در یکی از رسانه‌ها خبر خانمی از قاریان قرآن را دیدند که در اردن از برگزارکننده مسابقات خواسته بودند مردان را از سالن بیرون کنند تا ایشان تلاوت داشته باشند و درخواستش اجرا شده بود.

مرحوم آقا وقتی این خبر را خواندند در همان لحظه فرمودند شماره ایشان را پیدا کنید تا از وی تشکر کنم. با پیگیری‌ها در عرض نیم ساعت شماره آن خانم پیدا شد و تماس گرفتیم و خود آقا مستقیم با ایشان صحبت کردند و از اقدام دینی وی بسیار تشکر و تجلیل کردند.

آن خانم هم بسیار شگفت زده شده بود که یک مرجع تقلید اینقدر بر اخبار اشراف دارد و کارش را تحسین می‌کند.

همین تشویق مرحوم آقا سبب شد در سال‌های آینده، چنین درخواستی از سوی بانوان بیشتری در اردن انجام شد و الحمدلله همان‌طور که می‌خواستند تلاوت در حضور نامحرم انجام نشد.

پرده دهم:

آنچه مرحوم آقا را علاوه بر علم و تقوا، نزد مردم محبوب کرده بود، مردم دوستی ایشان بود.

در هیچ جلسه و ملاقاتی نبود که ایشان سفارش مردم مخصوصاً محرومان را نکنند.

مردم هم خوب این را درک می‌کردند که ایشان جز خدا و دین به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کنند و همه جا از حقوق آنها دفاع می‌کند.

هرگز خودبرتربینی نسبت به مردم نداشتند و احترام کامل برای همه آنها قائل بودند. از خاطر نمی‌رود روزی در خدمت ایشان که به حرم مطهر امام رضا علیه السلام مشرف می‌شدیم در رواق اصلی وقتی پیرمردی قصد نزدیک شدن به ایشان و مصافحه داشت توسط یکی از افراد کنار زده شد و رفت.

آقا که متوجه این کار شدند برگشتند و چند قدمی به سمت پیرمرد که در حال خارج شدن بود رفتند و صدایشان زدند و از ایشان معذرت خواهی کردند و فرمودند هر امری دارید بفرمایید.

پیرمرد که شگفت زده شده بود با چشمانی اشکبار، دست آقا را گرفت و از ایشان التماس دعا کرد.

آری، همه مردم برای این مرجع صد و سه ساله، محترم بودند و به همه ابراز محبت و علاقه می‌کردند و مردم هم در تشییع قم و نجف و کربلا و مجالس فاتحه در کشورها و شهرهای مختلف، این محبوبیت را به خوبی نشان دادند.



پرده یازدهم:

فکر غم و اندوه محرومان و ضعفا، لحظه ای مرحوم آقا را رها نمی‌کرد.

در حوادث غیر مترقبه مانند سیل و زلزله و ... اولین مرجعی که بیانیه صادر می‌کرد و به مومنین اجازه می‌داد خودشان از خمس مال، به آسیب دیدگان کمک کنند ایشان بود.

در همین بیماری منحوس کرونا، اجازه آقا بسیار کارساز بود. چه بسیار دستگاه‌ها و تجهیزات پزشکی و داروها که با همین اجازه، در خدمت مناطق محروم کشور در آمد و چه فراوان مبتلایانی که همین اجازه، بار سنگینی را از نظر اقتصادی از دوششان برداشت.

احداث درمانگاه‌ها و جاده‌ها و مساجد و ... و اهدای جهیزیه به هزاران هزار خانواده محروم و ضعیف و خدمات اجتماعی فراوان، فقط گوشه ای از برکات مرجعیت مرحوم آقا بود که اطلاع از اینها، دل مومنین را در پرداخت وجوه و تبرعات، قرص و محکم کرده بود. لبخند کودکان مناطق محروم در ایام عید و شروع سال تحصیلی و اول زمستان پر سوز و در مشکلات و سختی‌ها، شاید کمی از غم و غصه این مرد بزرگ مردم دوست می‌کاهد.

پرده دوازدهم:

فکر بلند آقا در ارتباط با همه دنیا بخصوص ارتباط علمی و بخصوص با اندیشمندان جهان اسلام، مدیون مکتب استاد بزرگوارشان آیت الله العظمی بروجردی (ره) بود.

در همان عنفوان جوانی در خدمت مرحوم استادشان، با بسیاری از فرهیختگان جهان اسلام مرتبط بودند مخصوصاً اساتید و اندیشمندان الازهر مصر و الزیتونه تونس.

یادم نمی‌رود زمانی که دکتر هشام قریسه رئیس وقت دانشگاه بزرگ الزیتونه تونس خدمت ایشان رسیده بود، وقتی آقا از مکاتبات خود با ابن عاشور فرمود؛ اشک در چشمان رئیس الزیتونه حلقه زد و مشتاقانه تا مدت‌ها بعد، به دنبال متن و محتوای آن نامه‌ها بود.

آری! فکر و اندیشه انسان مرز نشناس حقیقت جو، غیر از این نیست.

به مصر هم علاقه بسیاری داشتند از دو جهت: اول مرکزیت علمی مهم اهل سنت در الازهر و دوم حب و اشتیاق مردم مصر به اهل بیت علیهم السلام و وجود مشاهد مشرفه در آن دیار.

لذا تا همین ماه اخیر هم ایشان امر می‌فرمودند با امام جماعت مسجد سیده نفیسه مصر دکتر علی الله الجمال و برخی اساتید الازهر تماس می‌گرفتیم و ایشان از اشتیاق خودشان به زیارت مشاهد مقدسه مصر و برقراری روابط می‌فرمودند و آنها هم این فکر را ارج می‌نهادند و بسیار خوشحال از وجود چنین اندیشه‌های والایی. تقریباً در هیچ دیداری با مسئولان هم نمی‌شد که ایشان سخن از لزوم رابطه با مصر بر زبان نیاورند.

پرده سیزدهم:

ارادت و محبت آقا به ارباب و مولایش اباعبدالله الحسین علیه السلام بی حد و حصر بود.

تسبیح تربت سیدالشهدا علیه السلام را که به دستشان می‌دادید سر از پا نمی‌شناختند؛ می‌بوییدند و می‌بوسیدند و بر سر می‌گذاشتند.

پرچم گنبد مطهر را که برایشان هدیه می‌آوردند بلند می‌شدند، می‌بوسیدند و خود را به آن متبرک می‌کردند.

حالت بکاء ایشان در مجالس عزای حضرت مثال زدنی بود. صحنه بوسه آقا بر طوق و علمات عزاداری از ذهن‌ها فراموش نخواهد شد.

بارها خود ایشان با حسرت می‌فرمودند که فلان شخص مهم را در چند من تربت دفن کرده‌اند و هر وقت برای فاتحه به آنجا می‌رفتند نزدیک قبر نمی‌شدند مبادا زیر پا قرار بگیرد و بی‌احترامی شود.

شهید آگاه، پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام، نیایش در عرفات، آفتاب مشرقین، صبح عاشورا و آن همه سروده حاصل قریحه ولایی از دیگر ابعاد اظهار ارادت و ولایتمداری ایشان به اربابش سیدالشهدا علیه السلام بود.

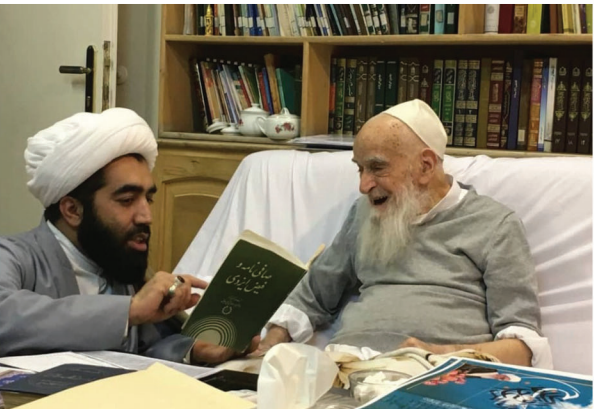
رویای صادقه ایشان در دفاع از اهل بیت علیهم السلام تا مرز تسلیم جان، شنیدنی است؛ حضور در مجلس ملعونی که وقتی عقیده بنی هاشم زینب کبری سلام الله علیها خطبه می‌خوانند، آن خدانشناس، حضرت را مورد اهانت قرار می‌دهند، و آقا در جبهه حق، بلند می‌شوند و جانانه از دختر امیرالمومنین -جان عالمیان به فدایش باد- دفاع می‌کنند.

پرده چهاردهم:

همان اظهار ارادت‌های نزدیک یک قرن بود که خداوند متعال اینگونه اراده کرد تا شب جمعه اول ماه رجب که لیله الرغائب بود ایشان میهمان حریم ملائک پاسبان اربابش شود؛ آن هم پس از طواف آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهاالسلام و مولی الموحدین امیرالمومنین سلام الله علیه و عتبه مقدسه عباسیه ارواحنا له الفداء.

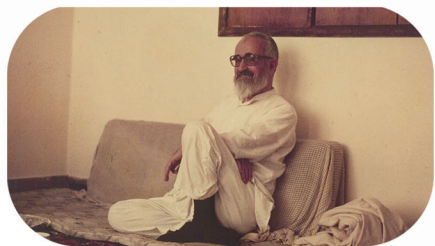
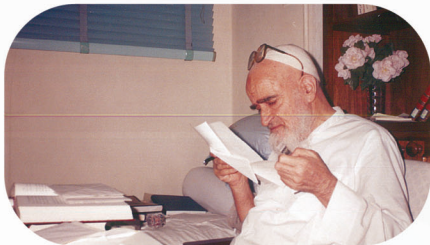
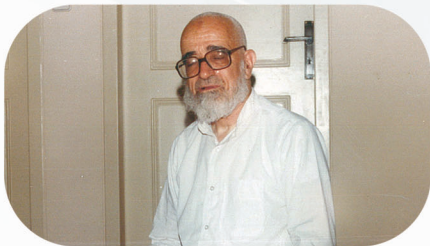
اما از کدام باب و کدام سو؟!

آری، آن که عمری امیدوارانه به الطاف این خاندان سپری کرده و رطب اللسانش این اشعار بود که (لطفی از عاقبت کار مکن قطع امید * که به الطاف حسین بن علی میمون است) و همیشه امید داشت به الطاف و عنایات حضرت، باید هم در آن حریم ملکوتی، در جوار باب امید یا همان (باب الرجا) در سمت قبله در من‌ها تربت مطهر که حسرتش را می‌خورد ماوا گزیند و بیارامد و امید داشته باشد که از آن خاک پاک به برکت دعایی که همیشه بر لب داشت: (مَوْلایَ فَإِنَّ أَدْرَکَیَ الْمَوْتَ قَبْلَ ظَهْرٍ کَ فَإِنِّی اَتَوَسَّلُ بِکَ وَبِأَبَائِکَ الطَّاهِرِیْنَ اِلَی اللّهِ تَعَالَى، وَاسْأَلُهُ اَنْ یُّصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ یُّجْعَلَ لِی کَرَّةً فِی ظَهْرٍکَ، وَرَجْعَةً فِی اَیَّامِکَ، لِابْلَغِ مِنْ طَاعَتِکَ مُرَادِی، وَاشْفِیَ مِنْ اَعْدَائِکَ فُؤَادِی؛ مَوْلای من اگر مرگ پیش از ظهور تو مرا دریابد، من به



تو و پدران پاک تو به خدا متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و برای من بازگشت دوباره به دنیا در زمان ظهورت و رجوعی در دوران منت فرماید تا به خاطر طاعتت به مقصودم برسم و زخم قلبم را از دشمنانت شفا دهیم) برخیزد و در رکاب سید و مولایش ولی عصر ارواح العالمین له الفداء، جان و هستی فدا کند.

و ما جامندگان بی زاد و توشه هم که از باب الرجا وارد بهشت دنیا یعنی حریم امن حسینی علیه السلام می‌شویم سخت رجا و امید داریم به شفاعت ایشان نزد مولایمان حضرت سیدالشهدا علیه السلام تا دستمان را در امواج فتن و بلایای آخر الزمانی، رها نکنند.





دل ز هجر تو ای یار خوب رو خون است
 نپرسی از من مسکین که حال تو چون است
 شبم ز هجر تو روز است و روز همچون شام
 ز دوریت غم و دردم همواره افزون است
 بیابانه کلبه بیمار خویش از سر مهر
 که لذت تو حالش بسی دگرگون است
 به من بسین که ز تو روی دلجویت
 ز چشم اشک روان همچو شط جیحون است
 ای امین خدا ای که زیر است
 سجده آدم و نوح و کلیم در بارگاه است
 طفیل هستی تو حق دانی و در دلت
 سپهر مهر و مهر و کوه دشت ده است
 خوشا به دور تو و عصر و عهد و دولت تو
 که حکم ، حکم خداوند و عدل و قانون است
 مباش لطفی صافی ز عاقبت نومید
 به جان دوست که احوال بند و مومن است

دل ز هجر تو ای یار خوب رو خون است
 نپرسی از من مسکین که حال تو چون است
 شبم ز هجر تو روز است و روز همچون شام
 ز دوریت غم و دردم همواره افزون است
 بیابانه کلبه بیمار خویش از سر مهر
 که از فراق تو حالش بسی دگرگون است
 به من بسین که ز هجران روی دلجویت
 ز چشمم اشک روان همچو شط جیحون است
 ای امین خدا ای که زیر رایت تو
 مسیح و آدم و نوح و کلیم و هارون است
 طفیل هستی تو جن و انس و حور و ملک
 سپهر و مهر و مه و کوه و دشت و هامون است
 خوشا به دور تو و عصر و عهد و دولت تو
 که حکم ، حکم خداوند و عدل و قانون است
 مباش لطفی صافی ز عاقبت نومید
 به جان دوست که احوال بند و مومن است

غم هجر اثر طبع آیت الله العظمی صافی

